

## پیوند اعضا، افق‌ها و امیدهای تحقق‌پذیر

نویسندگان: دکتر سیدحسن امامی رضوی<sup>۱</sup> - دکتر زینا افراسیاب<sup>۲</sup>

(۱) استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تهران  
(۲) کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی



### خلاصه

پیوند اعضا از روشهای درمانی جدیدی است که افقهای تازه‌ای را در درمان برخی بیماریهای کشنده باز نموده است. این موضوع با خودنگرانیهای مهمی را مبنی بر چگونگی برخورد اخلاقی با مسئله پیوند بدنبال داشته است. چه کسی را بعنوان گیرنده باید انتخاب کرد؟ آیا مقدار فایده‌ای که فرد به جامعه می‌رساند می‌تواند ملاک مناسبی برای انتخاب باشد؟ آیا بیماری را که شانس بیشتری برای زنده ماندن دارد باید برای انجام پیوند انتخاب کرد؟ از چه فردی برای دادن عضو می‌توان استفاده کرد؟ آیا خرید و فروش اعضا قابل قبول است؟ آیا از اعضا فردی که دچار مرگ مغزی است می‌توان برای پیوند استفاده نمود؟ پاسخ به این سؤالات بحثهای بسیاری را برانگیخته است. فقه اسلامی با داشتن اصول قطعی خود می‌تواند پاسخگوی سؤالات و مشکلات ناشی از پیشرفت علم و تکنولوژی باشد. با توجه به اصول اسلامی و نبا بر نظر اکثر فقهای اسلامی می‌توان گفت که پیوند اعضا از یک دهنده زنده در صورت رضایت وی و پیوند با گرفتن عضوی از جسد انسان دیگر در صورت وصیت، مجاز است و وقتی هدف متعالی نجات جان انسانی که با مرگ دست به گریبان است وجود دارد پیوند امری مجاز و ارزشمند است.

### ● مقدمه

ایمنی انسان بعمل آمده همراه با تکنولوژی بکار گرفته شده در مهندسی پزشکی و استفاده از اعضا انسانی و مصنوعی، این نوید را بدنبال دارد که پیوند اعضا در آینده نه چندان دوری در صدر روشهای درمانی برخی بیماریهای کشنده قرار خواهد گرفت. هرچند اولویت توجه به مسائل و معضلات بهداشتی مملکت مدنظر تمامی پزشکان میهن اسلامی قرار دارد لیکن در امر درمان بیماران نیز می‌بایست توجه و دقت کافی نمود. مسئله پیوند اعضا نه تنها برای عده زیادی از مردم که تاکنون بیماریشان لاعلاج تلقی می‌شده امید به زندگی دوباره را ایجاد کرده است بلکه افق جدیدی را در پیشرفت علم پزشکی

پیوند اعضا یکی از جدیدترین و موفق‌ترین روشهای درمانی در بیماری است که مبتلا به بعضی بیماریهای علاج‌ناپذیر همچون نارسائی کلیه، سیروز کبد و یا آترزی مجاری صفراوی یا بیماریهای پیشرفته قلبی که با درمان بهبود نمی‌یابند، می‌باشد و افق جدیدی را در عالم جراحی باز نموده است. رشد روزافزون و تحولات چشمگیری که در علوم پایه پزشکی صورت گرفته و تحقیقات وسیع و گسترده‌ای که در زمینه شناخت سلول و مکانیزمهای دفاعی میزبان و سیستم

ALG توانستند پذیرش عضو پیوندی را افزایش دهند. پیوند اعضا با دهنده‌های زنده شروع شد و بدن‌بال خود نگرانیهای مهمی را مبنی بر چگونگی برخورد اخلاقی با مسئله پیوند بدن‌بال داشت. چه کسی را بعنوان گیرنده باید انتخاب کرد؟ آیا مقدار فایده‌ای که فرد به جامعه می‌رساند ملاک مناسبی برای انتخاب است؟ آیا بیماری را که شانس بیشتری برای زنده ماندن دارد باید برای انجام پیوند انتخاب کرد؟ از چه فردی برای دادن عضو می‌توان استفاده کرد؟ آیا خرید و فروش اعضا قابل قبول است؟ با آنچه که در کشورهایی چون هند، فیلیپین و آفریقای جنوبی بطور رایج صورت می‌گیرد و اعضا خرید و فروش می‌شوند و با زمینه موجود در رابطه با پیوند اعضایی که نبود آن با حیات منافات دارد و سوء استفاده‌های احتمالی و استثمار افراد و اجبار آنها به این امر، چنین بنظر می‌رسد که بطور جدی باید با این موارد مبارزه کرد و با تقویت معیارهای اخلاقی در پزشکان مانع از وقوع چنین فجایعی شد.

در ۱۹۷۱ کمیته اخلاقی انجمن پیوند Transplantation society در بیانیه‌ای با برخوردی جدی با هرگونه خرید و فروش اعضا مخالفت نمود و در ۱۹۸۰ اعلام نمود که نباید از دهندگان عضو زنده استفاده نمود اما همیشه در امر پیوند مشکل کم بودن موارد جسد مناسب برای پیوند وجود دارد بنابراین در ۱۹۸۸ این انجمن اعلام نمود که اهداء عضو، اهداء زندگی است و اگر تا حدودی هم مسائل مالی در کنار آن بکار گرفته شود کار چندان غیر اخلاقی نیست.

در ۱۹۸۵ در مونیخ اعلام شد که استفاده از دهنده زنده بین افرادی که با هم قرابت خانوادگی و یا بستگی دارند مجاز است و علت مخالفت با دهنده زنده غیر وابسته را نبودن احساس انسانی در این عمل و زمینه سوء استفاده در این کار و خطر انتقال بیماریها و امکان لغزش و فروش تجاری اعضا بیان نمودند. اما مشکل اصلی در اینجاست که همیشه تعداد کافی جسد برای انجام عمل جراحی وجود ندارد. تعداد بیماران دچار نارسائی کلیه در آمریکا ۹۴ نفر در هر میلیون در سال و در کشورهای در حال توسعه بیش از ۱۰۰ نفر در هر میلیون در سال است و این در حالی است که در آمریکا تعداد اجساد اهدائی برای پیوند ۱۶ در میلیون و در استرالیا ۱۲/۵ در میلیون

گشوده است. گسترش و حمایت از انجام اعمال جراحی پیوند در ایران چنانکه در سالهای اخیر مشخص شده است از سرگردانی بیماران مستضعف میهن اسلامی در ممالک دیگر و خروج مقادیر متناهی ارز جلوگیری نموده است بنحوی که در برخی قسمتها مانند پیوند کلیه، ما اکنون هیچ بیماری را به خارج اعزام نمی‌کنیم و امیدواریم در سایر قسمتها هم به این خودکفائی برسیم.

### ● انواع پیوند

پیوند اعضا را بر اساس منابع دهنده عضو می‌توان به موارد زیر تقسیم نمود:

- ۱- پیوند از دهنده زنده فامیل
- ۲- پیوند از دهنده زنده غیر خویشاوند
- ۳- پیوند از جسد
- ۴- پیوند از فرد دچار مرگ مغزی
- ۵- پیوند از حیوانات

پیوند از حیوانات هنوز در دست اقدام و تحقیق و بررسی است و تاکنون عملی نشده است ولی بقیه موارد پیوند در سراسر دنیا و در بسیاری از مراکز کشور ما انجام می‌شود.

### ● تاریخچه پیوند

بزرگترین مشکل در انجام عمل پیوند مسئله تحمل بدن نسبت به سلول بیگانه است و تمام کوششها و پژوهشهای انجام شده در طی سالهای گذشته بر این مینا بوده است که بافت میهمان دفع نشود و بتواند عملکرد فیزیولوژیک خود را در بدن میزبان انجام دهد. در اوایل دهه ۵۰ دانشمندان متوجه شدند که با انتقال سلولهای جنینی می‌توانند ایجاد تحمل یا Tolerance کنند. پس از آن از رادیوتراپی Total body irradiation برای ایجاد تحمل استفاده کردند و در اوایل دهه ۶۰ استفاده از شیمی درمانی با سرکوب ایمنی میزبان کمک بزرگی به عدم دفع پیوند انجام شده کرد. آزمایشات انجام شده بر روی حیوانات به شناخت مسائل تکنیکی این امر کمک نموده و با شناخت اثر

و در اروپا ۱۵ در میلیون بوده است و با این توجه ۸۰٪ از بیماران از انجام پیوند محروم هستند و بسیاری از ایشان می‌میرند.

- تشخیص زمان مناسب اخذ عضو اهمیت خاص دارد، مرگ ناگهانی، اختلال همودینامیک و عفونت ۳ عاملی هستند که باعث به هدر رفتن فرصت مناسب می‌شوند و مسئله دیگر اینکه همه مبتلایان به مرگ مغزی در دسترس جراحان نیستند و طبیعتاً درصد قابل دسترس بودن ایشان در ممالک مختلف متفاوت می‌باشد و تنها عده‌ای از مبتلایان به مرگ مغزی ساعات آخر عمر را در بخش‌های مراقبت ویژه می‌گذرانند و عملاً عده اخیر هستند که منبع مناسبی برای پیوند اعضا بشمار می‌روند.

#### ● دیدگاه فقهای اسلامی پیرامون پیوند اعضا

اسلام دین جامع و کاملی است و فقه اسلامی با داشتن اصول قطعی خود قادر است پاسخگوی تمامی سؤالات و مشکلات ناشی از پیشرفت علم و تکنولوژی باشد و مسائل مستحدثه (که در زمانهای گذشته وجود نداشته و در دنیای امروز بوقوع می‌پیوندد) همواره در یکی از قوانین کلی فقهی جاگرفته و پاسخ خویش را می‌یابد. در این رابطه سه اصل از اصول کلی را می‌توان بیان نمود.

۱- اصل احترام به انسان: هیچ مکتبی احترامی را که اسلام برای انسان قائل شده است را نداشته است. اسلام مقام انسان را تا بدانجا بالا می‌برد که وی را جانشین خداوند در زمین و مظهر اسماء و صفات الهی می‌داند و قدرت شناخت اسرار آفرینش را بطور بالقوه به انسان آموخته و همه چیز را مسخر وی گردانده است. در دستورات اسلامی احترام به انسان بقدری مورد تاکید قرار گرفته است که حتی اجازه ظن و گمان نیز به وی نمی‌دهد و خونسش آنچنان محترم قلمداد می‌شود که چنانچه به ناحق ریخته شود گویی تمامی انسانها کشته شده‌اند. در این روند جسد انسان نیز که محمل روح بوده است محترم شمرده می‌شود.

۲- اهمیت خدمت به انسانها: اسلام برای خدمت به انسانها

و حل مشکلاتشان و در نتیجه درمان درد آنها ارزش والایی قائل است و پیامبر بهترین مردم را کسی معرفی می‌کنند که بیشترین خدمت را به انسانها بکند و قرآن کریم نجات جان یک انسان را برابر نجات زندگی تمامی انسانها می‌داند.

۳- قاعده اهم و مهم: این اصل بر این اساس استوار است که اگر دو مصلحت با هم در تضاد قرار بگیرند باید زیان کمتر را برای نجات از زیان بیشتر انتخاب کرد.

با توجه به این اصل می‌توان گفت که پیوند اعضا از یک دهنده زنده در صورت رضایت وی مجاز است و نوعی عمل انسانی و خیر خواهانه است و دهنده عضو با ایشار قسمتی از وجود خویش چه در هنگام حیاتش و چه پس از مرگ با رفع رنج و درد بیماری از انسانی دیگر کاری ارزشمند و والا انجام داده است. اگر جان انسان دردمندی با گرفتن عضوی از جسد انسان دیگر از مرگ رهایی می‌یابد می‌توان بعلت ارزشمندتر بودن حیات از جسم انسان مرده در صورت لزوم استفاده نمود. حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و سایر آیات عظام در طی فتاوی نظر خویش را در این زمینه ابراز فرموده‌اند.

متن فتوای حضرت امام خمینی (ره):

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی

پس از عرض سلام با کمال احترام بعرض می‌رساند: امروز در دنیا مسئله مرگ مغزی پذیرفته شده است و در صورتیکه در فردی با کمک معاینات و آزمایشات مخصوص مرگ مغز مسلم شود زندگی او خاتمه یافته تلقی میشود. ادامه موقت زندگی چنین فردی به کمک دستگاه تنفس مصنوعی و داروها میسر است و از اعضای نظیر قلب و کبد این افراد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده میشود. لطفاً نظر مبارک را مورد انجام چنین اعمال جراحی و برداشتن اعضای افراد با مرگ مسلم مغزی بیان فرمائید.

جواب: بر فرض مذکور چنانچه حیات انسان دیگری متوقف بر این باشد با اجازه صاحب قلب یا کبد و امثال آن جایز است.

محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی ، ولی امر مسلمین حضرت آیت ا...العظمی خامنه‌ای

جواب : اصل عمل کالبد شکافی بدون ضرورت شرعیه جایز نیست و نیز برداشتن عضوی برای علاج زندگی بدون وصیت ، ولی با وصیت صاحب جسد در حیات خود به هر مقدار که وصیت به آن واقع شد جایز است و چه جواز دفع منافات ناشی از لزوم احترام مسلم میت آن مانند حی است با اذن مستفاد از وصیت .

### ● مشکلات پیوند اعضا

-مشکلات مربوط به گیرنده عضو : اغلب اوقات تعداد افراد زیادی طالب دریافت عضو پیوندی هستند و همواره عرضه عضو پیوندی از تقاضای آن کمتر است در این موقع چه کسی را باید انتخاب کرد آیا انتخاب بیماری که شانس بیشتری برای زنده ماندن دارد مناسب تر است و یا باید میزان مفید بودن او در جامعه و کیفیت زندگی آینده اش را در نظر گرفت؟ آیا اگر مسئله گرفتن مبالغی را در قبال دادن عضو قبول کنیم بدین معنی نیست که هر کس ثروتمند است زنده بماند و فقرا محکوم به مرگ هستند؟

- مشکلات پیرامون دهنده عضو : آیا اعضاء را از هر اهدا کننده ای می توان پذیرفت؟

با مسئله پیوند اعضا از فردی که دچار مرگ مغزی است چه باید کرد؟ آیا تعریف مرگ مغزی یک تعریف قطعی است و اگر چنین است آیا می توان با رضایت خود فرد (طی وصیت نامه) و یا رضایت بستگانش از اعضاء او استفاده کرد؟

با مشکلات روانی و اجتماعی ناشی از پیوند چه می توان کرد؟ با بررسی موارد مختلف پیوند چنین بنظر می رسد ترس از آینده ، بیم از دست دادن قدرت کار ، عقیم شدن ، ناقص شدن و . . . علل هراس افراد خویشاوند با بیمار نیازمند در اهداء اعضایشان از جمله کلیه است . همچنین دیده می شود که گاه عواطف خانوادگی از قبول عضو پیوندی جلوگیری می کند مثلاً مادران از پذیرفتن عضو فرزندشان خوداری نموده اند . زنان کمتر کاندید عمل پیوند می شوند .

- بن بست های اجتماعی همچون اعتیاد اغلب علت اهداء عضو از غریبه می باشد اینگونه موارد پیوند را که بسیاری موارد

احتراماً معروض میدارد تعدادی از بیماران بدلیل ضایعات مغزی غیر قابل بازگشت و غیر قابل جبران ، فعالیتهای قشر مغز خود را از دست داده ، در حالت اغما کامل بوده و به تحریک داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند ، ضمناً فعالیتهای ساقه مغز خود را نیز از دست داده ، فاقد تنفس و پاسخ به تحریک متفاوت نوری و فیزیکی میباشد . در اینگونه موارد احتمال بازگشت فعالیتهای مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته ، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور میباشد . این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده میشود .

از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضاء مبتلایان به مرگ مغزی است . با عنایت به اینکه بطور خلاصه بیماران با مرگ مغزی فاقد تنفس ، شعور ، احساسات و حرکت ارادی میباشد و هیچگاه حیات خود را باز نمی یابند ، مستدعی است ارشاد فرمائید آیا در صورت احراز شرایط فوق میتوان از اعضا بیمار مبتلا به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده نمود .

جواب : در فرض سؤال استفاده از اعضا بدن موصوف در صورتیکه نجات نفس محترمه ای متوقف بر آن باشد اشکال ندارد .

### محضر مبارک حضرت آیت ا...العظمی خوئی

پس از عرض سلام با کمال احترام بعرض میرساند :

کالبد شکافی که در ساعات آخر حیات پس از فوت مغزی قبل از فوت قلبی اعضایی از شخص را برای استفاده در علاج احیا بر میدارند با توجه به ضرورت علاج احیاء جایز است یا نه؟ و با وصییت قلبی خود شخص چه حکمی دارد؟ لطفأ اشاره اجمالی به دلیل . و این عمل برای کشف جرم با اذن اولیاء میت جایز است یا نه؟

نیز تحمل نمی‌شود به زیر سؤال برده است.

● نتیجه‌گیری:

می‌توان گام‌های بزرگی را در پیشرفت و توسعه پیوند که چشم‌انداز نوینی را در درمان بسیاری از بیماری‌های طاقت‌فرسا و کشنده گشوده است برداشت.

با استفاده از نظرات فقهای اسلامی می‌توان چنین نتیجه گرفت که وقتی هدف متعالی نجات جان انسانی که با مرگ دست به گریبان است وجود دارد، پیوند عضو امری مجاز و ارزشمند است.

● سئوالات مربوط به احکام پیوند اعضا

توجه به یک معضل اخلاقی در مورد پیوند اعضا مهم است، در حال حاضر با وجود مجوز شرعی از طرف آیات عظام برای انجام پیوند اعضا و استفاده از مردگان مغزی بعنوان دهنده، بعلت وضعیت مردم ایران و اهمیتی که برای بخاک سپاری و تجلیل از افراد متوفی قائل هستند به سختی اجازه داده می‌شود که از مرده مغزی بعنوان دهنده استفاده کنند، حتی در مواردی که فرد وصیت نموده باشد که از جسدش برای پیوند یا تشریح استفاده نمایند.

۱- خرید و فروش اعضا برای پیوند چه حکمی دارد؟ (مانند خون).

نکته دیگر اشکالی است که در موارد عدم وصیت وجود دارد. تاکنون اکثر آیات عظام بدون وصیت اجازه استفاده از اعضای فرد مرده مغزی را جهت پیوند نمی‌دادند، حتی اگر اطرافیان این اجازه را بدهند.

۲- در موارد زیر آیا از فردی که در حال مرگ مغزی است ولی به وسیله دستگاه تنفس مصنوعی به حیات نباتی ادامه می‌دهد و از نظر پزشکی امکان برگشت وی وجود ندارد و مرده تلقی می‌شود، می‌توان عضوی را مثل چشم یا کلیه برای پیوند خارج کرد؟

پس در این مورد مسئله اساسی که هنوز وجود دارد و گسترش پیوند اعضا را از نظر اخلاقی و فرهنگی محدود می‌کند عدم تبلیغ و آگاه کردن مردم نسبت به اهمیت نجات جان بیماران و روشن کردن افکار عمومی نسبت به این است که با اجازه دادن به تیم پزشکی در استفاده از اعضای وابسته در گذشته‌شان باعث نجات جان بیماری می‌شوند. لیکن اخیراً با نظر خواهی که از جمع فقهای اهل بیت (ع) در این مورد گردید شبهات بسیاری روشن گردید و با استفاده از این نظرات می‌توان موارد بیشتری را بعنوان دهندگان عضو پیشنهاد و انتخاب نمود. مشروح سئوالات و پاسخ‌های این مورد در ادامه این مبحث خواهد آمد لازم به ذکر است که این مجمع از طرف مقام معظم رهبری مرجع پاسخگویی به مسائل مستحدثه تعیین گردیده‌اند.

۳- در مورد مسلمانان به طور کلی؟

بنابر این با تشویق مردم به اهداء اعضایشان پس از مرگ

۴- در مورد مسلمانان با وصیت قبلی و یا جواز اطرافیان؟

۵- در مورد غیر مسلمانان؟

۶- آیا در صورت جواز وصیت قبلی و یا جواز اطرافیان که در سئوال ۴ اشاره گردید، تبلیغ این امر در جامعه ممکن است؟

۷- آیا می‌توان تخفیف جرم محکومین به اعدام را موکول به اهداء عضوی برای نجات مسلمان دانست؟

۸- برداشتن قطعه‌ای از استخوان یا عضله از شخص مسلمان با رضایت یا بدون رضایت برای استفاده در بدن شخص غیر مسلمان جایز است یا خیر؟

۹- استفاده از باقیمانده‌های زایمانی (جفت) پرده جنین برای اعمال جراحی دیگران چه حکمی دارد؟

۱۰- پیوند عضو مسلمان به غیر مسلمان جایز است یا خیر؟

● جواب سئوالات مربوط به احکام پیوند اعضا

(۱) انسان می‌تواند مقداری از خون خود را بشخص و یا مرکزی اهداء و یا در برابر اخذ مبلغی واگذار کند، به شرط آنکه بحدی نباشد که موجب مرگ او شود و یا منجر بحالتی که ویرا

در انتظار خوار می سازد (مانند ابتلاء به فلج) گردد.

(۲) انسان زنده می تواند هر عضو خود را که مایل باشد برای پیوند بشخص و یا مرکزی اهداء و یا در برابر اخذ مبلغی واگذار نماید بشرط آنکه از دست دادن این عضو برای خودش موجب مرگ و یا ذلت او نشود و از این کار هدفی داشته باشد که عمل او مورد قبول عقلاء باشد.

همچنین هر گاه وصیت کند پس از مرگ او عضو مورد وصیت بمنظور استفاده پیوند در اختیار شخص یا محلی که وصیت کرده است قرار گیرد و اخذ وجه در برابر آن و یا اهداء آن بصورت رایگان تابع کیفیت وصیت او می باشد.

اما اگر وصیت نکرده باشد:

در صورتیکه شخص میت مسلمان باشد پس از مرگ او هیچیک از اعضاء وی را حتی با اذن اولیاء او نمی توان در اختیار شخص یا محلی قرار داد مگر در دو مورد:

- اول اینکه حفظ جان مسلمان دیگری، منحصرأ متوقف بر استفاده از این میت باشد، مثلاً می بایست قلب مسلمان دیگری فوراً عوض شود و در آن حال دسترسی فقط به قلب این میت باشد.

- دوم اینکه ولی امر مسلمین و یا کسی که در این قسمت از جانب او نمایندگی دارد بملاحظه مصالح جامعه اسلامی اذن استفاده از اعضاء او را برای پیوند بدهد مثلاً فرمانده لشکر اسلام نیاز بتعویض چشم داشته باشد تا بتواند لشکر را آنطور که باید هدایت کند که در این صورت در محدوده اذن عمل خواهد شد.

و هرگاه شخص میت مسلمان نباشد استفاده از اعضاء او برای پیوند - حتی بدون اذن ولیش - جائز است و اگر رضایت اولیائش تحصیل گردد رفع هر گونه شبهه ای بعمل آمده است.

(۳) میزان مرگ این است که نبض عادی و قلبی که شخص بوسیله آن ادامه حیات می دهد (این قید برای این ذکر شده که قلب مصنوعی را نیز شامل شود) برای همیشه از حرکت عادی باز ایستد، وقتی انسان باین مرحله رسید مرده است، و حرکت دادن قلب او توسط دستگاه الکترونیکی مصنوعی باعث صدق زنده بر او نمی شود. البته اگر با تنفس مصنوعی و یا با کمک دستگاه خود قلب بکار بیفتد و یا آنکه قلب مصنوعی را جایگزین قلب او کنند

و به زندگی ادامه دهد در اینصورت زنده است، بنابر این:

الف: تا هنگامی که نمرده است در صورتیکه خودش اذن دهد با رعایت شرایط دیگر - که در بند ۲ ذکر شد - قطع عضو او بمنظور استفاده پیوند جائز است.

ب: پس از آنکه مرد اگرچه قلبش با دستگاه الکترونیکی حرکت داده شود مانند سایر مردگان استفاده از اعضاء او برای پیوند بشرط آنکه وصیت کرده باشد و یا در دو موردی که در بند ۲ ذکر شد بشرح مذکور در آن بند مانعی ندارد.

(۴) - تزریق خون و همچنین پیوند استخوان و یا عضو دیگر مسلمان به غیر مسلمان - با رعایت شرایط مذکور در بندهای بالا - جائز است.

(۵) - عضوی را که بعنوان اجراء حد قطع می کنند نمی توان مجدداً بصاحب آن پیوند زد، اما این عضو در اختیار شخصی است که از او قطع شده است و پیوند زدن آن به دیگری با اذن صاحب آن جایز است، همچنین اختیار اینکه بطور رایگان در اختیار دیگری قرار گیرد و یا در برابر مبلغی بوی واگذار شود با صاحب آن است.

(۶) - عضوی که بعنوان قصاص قطع می شود چند صورت دارد:

الف: هر گاه شخص جانی عضوی را که قطع نموده از قابلیت پیوند زدن خارج کرده باشد مثل آنکه آنرا کوبیده ریز ریز کرده باشد و یا آنکه آنرا به حیوان گوشتخواری خورانده و یا آنکه آنرا از دسترس صاحبش دور نگهداشته تا فاسد شده باشد و . . . در این صورت اختیار عضو وی در دست قصاص کننده است که می تواند همانند وی آنرا از قابلیت پیوند زدن خارج کند. البته قصاص کننده نمی تواند این عضو را بفرودشد یا رایگان بشخص سومی برای پیوند واگذار نماید، ولی می تواند بعد از قصاص از حق خود بگذرد و آنرا از بین نبرد و سالم در اختیار صاحبش قرار دهد، در این صورت هرگاه اذن دهد صاحب آن می تواند آنرا ببدن خود پیوند بزند، و اگر اذن پیوند زدن ندهد صاحب عضو می تواند آنرا مجانی یا در برابر گرفتن مبلغی بدیگری واگذار نماید.

ب: هر گاه جنایت او بمجرد قطع خاتمه یافته و امکان پیوند مجدد آن برای صاحب عضو فراهم بوده است اما صاحب عضو

خود برای استفاده پیوند از آن و تبلیغ آن در رسانه‌های گروهی بشرط آنکه حدود و موارد مشروع کاملاً تبیین گردد شرعاً مانعی ندارد.

(۹)- در مواردی که اصل تخفیف مجازات محکومین برای ولی امر مسلمین شرعاً مجاز باشد هرگاه ولی امر بمصلحت جامعه اسلامی بداند می‌تواند تخفیف مجازات محکومی را موکول باهداء و یا واگذاری عضوی از وی برای پیوند بنماید.

(۱۰)- در مواردی که مانند مفسد فی الارض و محارب - یکی از شقوق مجازات شخص مجرم اعدام است بشرط آنکه از نظر قانون منعی نباشد هرگاه قاضی مصلحت بداند می‌تواند محکومیت مجرم را به غیر اعدام منوط به واگذاری عضوی از خود برای پیوند نیازمندان بنماید.

(۱۱)- در موارد تعزیر نیز بشرط آنکه از نظر قانون منعی نباشد قاضی می‌تواند تعزیر مجرم را اهداء عضوی از وی و یا واگذار نمودن آن در برابر اخذ وجهی بمنظور استفاده پیوند از آن قرار دهد، لکن باید قاضی مراقب باشد که این تعزیر سبکتر از حد باشد.

خود اقدام به پیوند ننموده باشد، در این صورت قصاص‌کننده نیز تنها حق قطع کردن عضو او را دارد و بعد از آن اختیار عضو با صاحب آن (یعنی قصاص‌شونده) است و می‌تواند اقدام به پیوند آن بمحل اصلیش بنماید. همچنین می‌تواند آنرا برای استفاده پیوند بصورت رایگان یا در برابر گرفتن مبلغی بدیگری واگذار نماید.

ج: هرگاه هنگامی که جانی عضو را قطع نموده است و امکان پیوند مجدد آن نبوده است و یا آنکه صاحب عضو امکان مالی پیوند زدن را نداشته است و یا مانند نوع مردم از پیوند مجدد آن غافل بوده است و بالاخره از دست رفتن عضو قصاص‌کننده در نزد مردم تنها مستند به عمل جانی باشد در این موارد نیز حکم بند الف بر آن بار می‌شود.

(۷)- باقی مانده‌های زایمانی متعلق بشخص زائو است و در صورت اذن وی و یا اعراض او استفاده از آنها برای اعمال جراحی و پیوند بدیگران جائز است و شخص زائو می‌تواند آنرا مجاناً بدیگری واگذار کند و می‌تواند در برابر آن وجهی دریافت نماید.

(۸)- تشویق مردم برای اقدام به دادن اعضا، خون و متعلقات

## وداع با ماه مبارک رمضان

سلام بر تو ای ماه عزیز که چون به ما روی آوردی با تو انس و الفت و نشاط داشتیم و چون سپری شدی و روی از ما بگردانیدی همه دلها را وحشت زده و محزون کردی  
سلام بر تو ای که در اثر همجواری تو دلها رقت و شفقت با هم داشت و فسق گناه کمتر از بندگان صادر می‌شد.

قسمتی از دعای ۴۵ صحیفه سجادیه